

حتی اگر بدانیم...



عباسعلی سیاهی یونسی شاعر و روزنامه‌نگار

همان طور که مشتی آب برمی دارم تا به صورتم بزنم، به دوستم می گویم: فکرش را بکن تا همین چند سال قبل، این روستا با این فاصله چند کیلومتری از مشهد، برای خودش حال و هوای خاصی داشته است؛ یعنی

می توانستی با نیم ساعتی رانندگی از شلوغی خیابان های مشهد بیرون بزنی و برسی به کوچه های پر از درخت توت روستا، به تماشای زمین های کشاورزی و گله های گوسفندی که از صحرایرمی گردند یا به صحرای نواپیشان می گویم: همین چاه موتوری که حالا برقی شده است و بدون سرو صدا، آب زلال را از زمین بیرون می کشد و تقدیم ما آدم ها می کند، روزگاری آب مورد نیاز برای کاشت مزرعه های جو، گندم، پنبه و هر آنچه می تواند از زمین بروید را تامین می کرد اما حالا همه چیز تغییر کرده است. به هر طرف روستا که نگاه می کنی، خانه های شهری را می بینی که هیچ نسبتی با معماری روستا ندارد. انگاران ها را از خیابان های شهر منتقل کرده اند به این روستا تا کم کم اهالی روستا هم فکر کنند که چرا زندگی ما باید به این سختی بگذرد. آن هم در خانه هایی معمولی اما همسایه ما که از شهر آمده است اینجا و برای خودش ویلا یی ساخته است، باید چنین خانه شبیک و با کلاسی داشته باشد.

دوستم می گوید: راست می گوئی. یادم هست همین زمین هایی که قطعه بندی و هر کدام تبدیل به ویلا یی شده اند، پیشتر ه زمین های پویچه بودند. آن طرف دیگر که می بینی، گندم و جومی کاشتند اما حالا

آب این چاه موتور فروخته می شود. ساعت به ساعت می شود و سر از باغ ویلاهایی درمی آورد که روز به روز تعداد آن ها بیشتر و بیشتر می شود.

انگار برای تامین آرد دیگر نیازی نیست که مردم این روستا و روستاهای مشابه

آن در اطراف مشهد، گندمی بکارند. می گویم: ماجرا وقتی غم انگیزتر می شود که فکر کنیم روستاهایی که روزی گندم خودشان را تامین می کردند به شهر هم گندم می دادند. حالا باید چشم به راه ماشین هایی باشند که برای ناواپیشان از شهر آرد می آورند. پس دیگر عجیب نیست که این همه باغ ویلا در اطراف مشهد ساخته شود و صاحبان بعضی از آن ها، ماهانه و یا تا نکر، آب مورد نیاز باغچه خودشان را فراهم کنند. چشم می گردانم و کمی آن طرف تر درختان توتی را می بینم که حالا مانده اند دورتر از جوی آبی که به جای گذر کردن از کنار درختان توت و رسیدن به زمین های گندم یا پویچه، آب آن وارد لوله های سیاهی می شود که سر راه آن برای ویلا ها و باغ های شهری آب می گیرند. با خودم فکر می کنم خود خواه تر از ما آدم ها خودمان هستیم؛ چون حتی اگر فکر کنیم این ویلا سازی ها و این باغچه بازی ما باعث خسارت فراوان به کشاورزی این سرزمین و تشنگی جمعی از آدم ها می شود، باز هم دوست داریم برای خود مان باغ و ویلا یی داشته باشیم، حتی اگر بدانیم ساخت آن غیر مجاز است. حتی اگر بدانیم باید با تا نکر آب مورد نیاز درختانمان را تامین کنیم، حتی اگر بدانیم با این زحمت و خواهی ها داریم فاتحه سفره های آب زیر زمینی را می خوانیم، حتی اگر بدانیم...

تاریخنگار

۲۹ فروردین ۱۳۵۸

وزارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروی زمینی



هم زمان با به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی، ارتش ایران که پیکره اصلی آن را جوانان برومند خانواده های مسلمان و ایرانی تشکیل می دادند، به ندای رهایی بخش رهبر کبیر انقلاب اسلامی لبیک گفت و در نتیجه هم صدا و همراه با امت، به ستیز بی امان با دشمنان داخلی و خارجی انقلا ب برخاست.

ارتش به منظور تحقق اهداف جمهوری اسلامی ایران، تلاش های خستگی ناپذیر و مستمری را با فداکاری و ایثار در ابعاد مختلف آغاز کرد. لحظه شادی بندگان خدا و بیاس ستمگران، نقطه عطف درخشان و افتخارآمیز قلمداد فرمود. در این حال و در شرایطی که عده ای در آن دوران، خواهان انحلال ارتش بودند، امام امت^(۱) به عنوان بزرگ ترین حامی ارتش، پای به میدان نهادند و در پیامی در ۲۷ فروردین ۱۳۵۸ ضرورت حفظ ارتش را تاکید کردند و به منظور انسجام و یکپارچگی ارتش، فرمان تاریخی و مهمی را صادر و ۲۹ فروردین را روز ارتش نام گذاری کردند. ایشان در این پیام خاطر نشان کردند: «اکنون ارتش در خدمت اسلام است و ارتش اسلامی است و ملت شریف، لازم است پشتیبانی خود را از آنان اعلام نمایند. اکنون مخالفت با ارتش اسلامی که حافظ استقلال و نگهبان آن است، جایز نیست. ما و شما و ارتش، برادرانه باید برای حفظ و امنیت کشور مان کوشش کنیم و به شرات شرار و اخلا ل مفسدین، خاتمه دهیم.» پس از صدور این پیام تاریخ ساز، ارتشیان نیز با خلق حماسه های عظیم و به یاد ماندنی در سال های پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن در جنگ تحمیلی دوشادوش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مردم، اوراق زرینی بر دفتر تاریخ سراسر حماسه و قیام ملت ایران افزودند.

زین قندپا

علیرضا حیدری امدرس و ویراستاری

پرسش

در جایی این جمله را دیدم که وسط جمله علامت سؤال گذاشته است. آیا درست است؟ این زلزله ۵۰ میلیار ت تومان (۲) خسارت زده است.

پاسخ

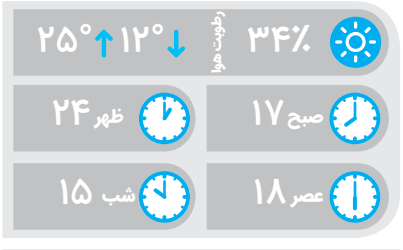
بله، درست است. یکی از جاهایی که نشانه پرسشنی استفاده می شود، برای نشان دادن حدس و گمان است که بین دو پرانتز می آید.

#زین_قندپا_رسی

حدیث روز

زاهد در دنیا کسی است که حرام بر صبرش غلبه نکند و حلال از شگرش باز ندارد.

امام علی^ع



اذان ظهر ۱۲:۳۰:۵۰ نیمه شب شرعی ۲۳:۴۵:۴۴ غروب آفتاب ۱۹:۰۷:۵۶ اذان صبح فردا ۰۴:۲۲:۰۲ اذان مغرب ۱۹:۴۶:۵۰ طلوع آفتاب فردا ۰۵:۵۲:۲۷

تلاش برای اختراع معجزه ها

عاطفه هما یونی

تلاش

کیتی بوث، زندگی نامه نویس درباره گراهام بل اظهار نظر جالبی دارد: «معرفی گراهام بل به عنوان مخترع تلفن، مثل این است که بگویید آدولف هیتلر فردی گیاه خوار بود که زمانی بر آلمان حکومت می کرد!»، الکساندر گراهام بل مدت هاست که از یک سو به دلیل اختراع تلفن و دستگاه های خارق العاده دیگر تحسین می شود و از سوی دیگر به عنوان پیشگام برجسته گفتارگرایی (روش آموزش گفتار و لب خوانی به ناشنوایان) خوارشمرده می شود، جنبشی که ناشنوایان را برای یادگیری گفتار تشویق می کرد و مهم تر از همه، آن ها را زیر فشار قرار می داد تا زبان اشاره را نیاموزند و از آن استفاده نکنند. مادر و همسر گراهام بل هر دو ناشنوا بودند و او بی وقفه تلاش می کرد تا ناشنوایی آن ها را عادی سازی کند. او امیدوار بود که آن ها چنان هوشمندانه گفتار دیگران را بفهمند که گویی افراد را می شنوند. همچنین امیدوار بود که یاد بگیرند صدا های درست را تولید کنند و در نتیجه بتوانند راهی برای مقابله با این معلولیت آشکار بیابند. بل در نیمه دوم زندگی اش، با علم اصلاح نژادی انسان آشنا شد که شاید یکی از ایده های گمراه کننده در میان ایدئولوژی های دوران ویکتوریا بود. او هرگز طرفدار عقیم سازی ناشنوایان نبود. در واقع او با چنین شیوه هایی مخالف بود، اما در عین حال تلاش می کرد افراد ناشنوا را متقاعد کند که با یکدیگر ازدواج نکنند، زیرا می ترسید که آن ها ناتوانی خود را به فرزندانشان منتقل کنند. بل چهره های برجسته ای از جمله هنر کالر را تحت تأثیر دیدگاه خود درباره ناشنوایان قرار داد. کُر خودش را آن گونه که بل او را می دید، درک می کرد، یک انسان الهام بخش اما با معلولیت.

بل از همان کودکی به دنبال این بود که بفهمد بشر چگونه صدا ها را تولید می کند. او دستگاه مکالمه ای ساخت که طیف وسیعی از واج ها را تولید می کرد. او حتی سعی کرد گفتار را به سگش بیاموزد. بل همان طور که در تلاش بود تا شیوه تولید گفتار را درک کند، به اختراعات دیگری رسید، اختراع تلفن او را اثر و متند کرد، اما احساسی ا در او بر نمی انگیزت، زیرا آن را یک حواس پرتی از مسیر اصلی اش، اصلاح آموزش ناشنوایان، قلمداد می کرد. میبل هابارد، همسر



مهری که مادر دارد و مهر بانی ای که خدا دارد

غلامرضا بانی اسدی

نگاه می کنم به سفره مهر و محبت پدر و مادرها. آن ها فرزندان شان را دوست دارند، همه فرزندان شان را. به اینکه فلان فرزند به راه است و همراه یا فلان فرزند را خود را می رود، هم چندان فکر نمی کنند. همین که فرزندشان است، کافی است تا او را عاشقانه دوست بدارند و خوار در پا خیلندش را تا ب نیاورند، حتی اگر خود دشنه در قلب داشته باشند. راستی خدای را چگونه باید دید وقتی پدر و مادر را چنین مهر بان آفریده است؟ آیا نگاه او به بند گانش، همه بند گانش، از این قسم نیست؟ آیا همه شان را عزیز نمی دارد؟ آیا کسکستن آنان را تا تاب خواهد آورد؟ مگر نخوانده ایم این ماجرا را که چند امام معصوم در واپسین لحظات حیات مبارکش ان- به امام پس از خویش فرموده اند به امت برسانند که بترسید از ظلم به کسی که جز خدا یاوری ندارد؟ این آیت نشان از حساس بودن خدا در باره بند گانش نیست؟ حجت خدا به تفکیک کافر و مسلمان هم نپرداخته است، بلکه عام است کلام امام. حال در این ایام نورانی، نباید همه به قربان خدایی برویم که این قدر مهربان است؟ نباید به هم کلامی با او افتخار کنیم که بی مزد و منت، همه ما را عزیز می خواهد؟ باور کنیم که عتابش هم از سر مهر بانی است. به قول استاد صفایی حائری^(۱)، نمی گوید می سوزانم، بلکه می گوید مراقب باش و دامن نگه دار که می سوزی. نگران ماست و این هم باز از سر مهر است. نگران ماست که راه را گم نکنیم و اسیر گرگ بیابان نشویم. نگران ماست که شیطان، ما را به ذلالت نکشد. بی سود و زیان خود نیست که ز بیای می گوید مولوی:

من نکردم خلق تا سودی کنم

جود و سخا ی خلقتش را حرمت بگذاریم در این ماه مهر، مهر بانی های حضرت خدا را قدر بدانیم و به راه برگردیم. اگر یک قدم برداریم، در این راه به مقصد می رسیم، حتی اگر هزار فرسنگ باشد که خود تعلیم مان فرموده است: شروع کن! یک قدم با تو

حیف نیست با خدایی چنین مهربان، همراه نشویم؟



روزنامه شهر امید و زندگی

۲۹ شهریور ۱۳۹۶ صفحه ۲۰ صفحه ۴۰ صفحه ورزشی شماره ۱۳۶۳ ۱۰۰۰ تومان

میثاق نامه اخلاق حرفه ای



● روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی: صاحب امتیاز: شهرداری مشهد مدیر مسئول: سید هادی فیاضی سردبیر: ارژنگ حاتمی نشانی: میدان شهید نبیش دانشگاه ۱ دفتر مرکزی: ۰۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱ نمایر: ۰۳۷۲۲۸۳۱۰ روابط عمومی: ۰۳۷۲۴۳۱۰ شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹ چاپ: شهر چاپ خراسان



وزیر بهداشت: ورود ماست فروش، سیمان فروش و ... به واردات واکسن کرونا!

محمد رضا میرشاملود

واشنگتن پست

در پی تیراندازی در یکی از ساختمان های شرکت «فداکس» در شهر «ایندیاپلیس»، ۸ نفر کشته و ۶ تن زخمی شدند. فرد تیرانداز که از کارکنان سابق این شرکت بود، پس از محاصره پلیس دست به خودکشی زد. روزنامه واشنگتن پست در مطلبی درباره این موضوع، با تیتر «حادثه ایندیاپالیس برانده ملی آمریکا افزود»، می نویسد که در بحبوحه بحران کرونا و حادثه تیراندازی پلیس به یک شهروند سیاه پو سست و اعتراض های پس از آن، این اتفاق آمریکایی ها را بیش از پیش مشوش کرده است.

گاردین

این روزنامه بریتانیایی، در تیتیریک خود با عنوان «چراغ سبز برای واکسیناسیون زنان باردار» نوشته است که همه زنان باردار در این کشور، واکسن را دریافت می کنند. پیش از این به زنان باردار توصیه شده بود که از زدن واکسن خودداری کنند، زیرا عوارض آن برای جنین ناشناخته بود، اما روز شنبه کمیته واکسیناسیون بریتانیا اعلام کرد که زنان باردار در هر دوره ای که هستند، می توانند واکسن را تزریق کنند.

نشنال پست

روزنامه نشنال پست در مطلبی به تحلیل ورود کشتی های چینی به منطقه دفاع هوایی تایوان، پرداخته است. این روزنامه کانادایی در تیتر «به آغوش کشیدن تایوان»، با اشاره به اینکه این اقدامات از سوی چین در واقع تهدیدی علیه واشنگتن است، خاطرنشان می کند که کانادا در این میان، باید به دفاع از تایوان بپردازد، زیرا به اعتقاد نویسنده اقدامات دریایی چین، این مودراسی در حال گسترش را تهدید می کند.

مجله عصر مژگر هجده شصت

برای خواندن مجله

عصر شهر آرا

کد را اسکن کنید

